



گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری  
رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درباره‌ی ماندگاری قیام عاشورا

# تنوع سلاطین در مدیریت حسینی

«این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست؟» هر کس که با دیده تأمل و دقت به عزاداری‌ها و عشق میلیون‌ها انسان به امام حسین(ع) نگاه کند، قطعا به این بهت و حیرت دچار خواهد شد و پرسشگرانه از خودش خواهد پرسید چه رازی در این حادثه هست که آن را بر قله تاریخ نشاند و اینچنین بعد از گذشت سالیان طولانی، هنوز از حرارت و شعله آن چیزی کم نشده است؟ این، همان موضوعی است که برای تبیین و توضیح به گفت‌وگو با آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نستسیم. ایشان مهم‌ترین راز ماندگاری قیام عاشورا را در واقعه‌ای که بین امام حسین و خدا رخ داد، عنوان کرد: «فداکردن همه چیز به پای خدا از سوی امام حسین و عطای بی حساب به امام حسین از

سوی خدا». رابطه‌ای که محور آن اخلاص و محبت بود. ایشان از سوی دیگر، پیام‌های فطری واقعه کربلا را که بر جان هر انسانی می‌نشیند، از دیگر دلایل تداوم ماندگاری این واقعه عظیم دانست؛ پیام‌هایی مانند سرنهادهای بندگی و بردگی غیر خدا، آزادی و آزادیگی، عدالت‌طلبی و ستیزه با ظالمانی که از خون و مال مردم ارتزاق می‌کنند. آیت‌الله حسینی بوشهری در بخش دیگری از سخنانش تبیین نقش اهل بیت در زنده نگه داشتن مجالس حسینی پرداخت. ایشان در انتهای سخن با اشاره به وضعیت کروناوی امروز در کشور، دوگانه‌سازی اقامه عز و سلامت را مردود دانست و با تأکید بر اینکه حفظ سلامت از واجبات است، اضافه کرد باید با حفظ دقیق همه پروتکل‌های لازم، پرچم عزاداری امام حسین(ع) را برافراشته نگاه داشت.



عزاداری نباید کمیت‌گرا بود، بلکه باید کیفیت‌گرای را مورد توجه قرار داد و مطالبی درباره اهمیت واقعه عاشورا و پندهای نهفته در آن به مخاطب عرضه کرد. برگزاری جلسات عزاداری امام حسین(ع) با سوز و زاری و بصیرت‌افزایی نیز از گذشته تاکنون مورد توجه قرار داشته و به عنوان یکی از روش‌های زنده نگه داشتن یاد شهدای کربلا و تبلیغ اسلام محسوب می‌شود و ائمه اطهار(ع) برای برپایی چنین محافل ثواب بسیاری برشمرده‌اند. در روایتی داریم که امام صادق(ع) خطاب به فضیل بن یسار که مجلس توسل به اهل‌بیت(ع) تشکیل داده بود، فرمودند: «من این مجالس را دوست دارم پس هدف ما از زنده نگه داشتن یاد خدا رحمت کند کسی را که هدف و امر ما را احیا کند. خدا رحمتش را شامل حال کسی کند که مکتب ما را احیا کند. کسی به یاد ما باشد یا در نزد او یادی از ما شود و از چشم او به اندازه‌ی بال یک مگس اشک جاری شود، خداوند گناهان او را می‌آورد». کسی که دلدا به اهل‌بیت(ع) است، دلدا به خداست چرا که اهل‌بیت(ع) واسطه بین ما و خداوند هستند و اینکه گفته می‌شود خداوند گناهان آنها را می‌بخشد، به این دلیل است که کسی در مجالس امام حسین(ع) شرکت می‌کند، یا گناه نمی‌کند یا اگر گناهی می‌کند در مسیر درست قرار می‌گیرد و خداوند او را می‌بخشد.

■ به لزوم برگزاری محافل عزاداری امام حسین(ع) اشاره کردید با توجه به شرایط کرونا، چه توصیه‌ای برای متولیان چنین محافل با احتیاط روحانیون و وعظ داردید؟  
برخی معتقدند اصلا چرا ما این مجالس و هیأت‌های عزاداری را برگزار می‌کنیم؟ دلیل روشن است که ما اگر خوب به روحیات انسان‌ها دقت کنیم، روحیه انسان‌ها الزاماً روحیه‌ای نیست که همیشه بر اساس منطق استوار باشد. انسان نیاز به منطق و استدلال دارد اما در کنارش احساس و عشق هم لازم است. منطق به تنهایی پاسخگوی نیاز انسان‌ها نیست، چرا که انسان عشق و عاطفه هم می‌خواهد. عدای می‌گویند گفت‌وگو کنیم و نیازی به دسته عزاداری و برگزاری هیأت نیست، یک بعد از وجود انسان بعد عاطفی است که این بعد باعث تحرک احساسات انسان می‌شود و انسان‌ها احساس می‌کنند باید کاری را انجام دهند که امام حسین(ع) انجام داد. عاطفه، شور و عشق انسان

نمی‌کند، خبری از عاشورا نمی‌ماند. امام سجاده(ع) ۴۰ سال نام و یاد امام حسین(ع) را زنده نگه داشتند تا جایی که در روایات داریم که حضرت زین‌العابدین(ع) هر وقت غذا و آب می‌دیدند، می‌فرمودند چطور غذا بخورم و آب بنوشم در حالی که پدرم حسین بن علی(ع) با لب تشنه ائمه اطهار(ع) در هر دوره و عصری سعی داشتند پیام عاشورا را زنده نگه دارند. در روایتی از امام رضاع(ع) داریم که فرمودند: «در ماه محرم کسی پدرم را خندان نمی‌داند». همچنین حضرت فرمودند: «کسی که در روز عاشورا کسب‌وکار خود را فرو گذارد، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را برآورد می‌کند و اگر بر مصیبت سیدالشهدا(ع) بگریزد، خداوند روز قیامت را برایش روز شادی و سرورش می‌گرداند».

علاوه بر این، جایگاه امام حسین(ع) آنقدر بالاست که هنگام بهمان شدن نیز امامان به امت خود توصیه می‌کردند به زیارت سیدالشهدا(ع) مشرف شوند به طوری که در برخی احادیث آمده است زمانی امام هادی(ع) به بیماری مبتلا شدند، از دوستان و یاران‌شان خواستند تا به زیارت امام حسین(ع) در کربلا روند و زیر قبه سیدالشهدا(ع) برای‌شان دعا کنند. حضرت هم‌عقد بودند خداوند برای امام حسین(ع) و متوسل کنندگان به آن حضرت حساب جداگانه‌ای دارد.  
علمای دین نیز در استمرار این مسیر نقش بسزایی داشتند. اسناد نشان می‌دهد که در موضوعات فرهنگی را نباید نادیده گرفت. درباره نقش و جایگاه روحانیت و عالمان دین نیز باید متذکر شد آنها نقش مولد فرهنگ در کشور را داشتند و دارند. یعنی تولیدکننده فرهنگ بودند و از طریق تبلیغ و راهنمایی و همچنین خود پاسداری کرده و به رسالت و مسؤولیت خود عمل کردند. روحانیت همان‌گونه که تبلیغ ارزش و هنجار خود پاسداری کرده و به رسالت و مسؤولیت خود عمل کردند، روحانیت در راستای اهداف توحیدی جمع شدند، حضرت آغوشش را برای کسانی که ما باید به آن عمل کنیم، اصلا تکرر و تئوع در جبهه امام حسین(ع)، از موضوعات جالب توجه در واقعه کربلاست

خلاصه آن دعوت به خوبی و بازداشتن از زشتی‌ها به شمار می‌رود. روحانیت در طول تاریخ عمل و گفتار و رفتارشان برای آحاد جامعه به عنوان حجت شرعی و امر مقبول جامعه محسوب می‌شد. یعنی وقتی یک روحانی در میان مردم حاضر می‌شد و سخنی به زبان می‌آورد، رفتار و گفتارشان برای مردم سندیت داشت. حتی بیرون سایر مذاهب و ادیان و افرادی که معتقد به اسلام نیستند، روحانیت را بر این جایگاه می‌دانند و نقش تاثیرگذار آنها غیرقابل انکار است. حتی انقلاب اسلامی ما نیز بر پایه‌ی پشت امام خمینی(ره) و علما به پیروزی رسید. مردم حرف امام خمینی(ره) را حرف امام زمان(عج) می‌دانستند، چون او را نایب امام می‌دانستند. در روایات هم به علمای دین اشاره شده و آمده است: «کسانی که اقدام به تبلیغ رسالت الهی می‌کنند و از خدا پروا دارند و جز از خدا از دیگری نمی‌ترسند حسلب‌شان هم با خداست». در روایات دیگری داریم که علما مصباح‌الله فی الارض هستند یا مرزبان‌ها به شمار می‌روند. اینها ویژگی و جایگاه مبلغان دینی است که به آن اشاره شده است. بنابراین عالم دین بودن شغل نیست، بلکه مسؤولیت خطیری است که در برهه حساس کنونی نیز باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، باید به این نکته توجه داشت که در محافل دینی و هیأت

کشور، از بحران‌ها عبور کرده و بتواند عزت خود را حفظ کند، اگر نه تا قیامت باید بندگی این و آن را بکند و ذلت را بر عزت ترجیح دهد.  
باز نکته مهم دیگری که از درس‌های عاشورا برای امروز ما است، مساله تکلیف‌گرایی است. اینکه ما ببینیم رضای خدا در چیست، تکلیف ما در چیست، ما مامور به پیروزی نیستیم، ما مامور به انجام وظیفه‌ایم؛ گاهی ممکن است مسیری که می‌رویم به شکست بینجامد اما اگر این مسیر را از سر تکلیف‌مداری انتخاب کرده باشیم، این شکست، عین پیروزی است. تکلیف‌مداری، اخلاقی‌مداری را در پی دارد، چون اگر شما بخواهید هر طور که شده پیروز شوید، برای خودتان توجیه درست می‌کنید که پس فلان کار مجاز است، حاضرید بسیاری از ارزش‌ها را زیر پا بگذارید تا به هدف‌تان برسید اما وقتی تکلیف را مدنظر قرار دادید، می‌دانید که همانطور که برای رسیدن به هدف، مکتف هستید تدبیر کنید، به همان اندازه هم مکتف هستید در این مسیر به کسی ظلم نکنید، تعدی نکنید، حقی را پامال نکنید. پس تکلیف‌مداری به حق خواهی و حق‌مداری و اخلاقی‌مداری منتهای می‌شود. این از درس‌های مهم عاشوراست.

نهضت امام حسین(ع) بر اساس تکلیف‌گرایی بود و حضرت بر اساس تکلیف وارد میدان عاشورا شدند. سیدالشهدا(ع) در نبرد با دشمن فقط به دنبال پیروزی نبودند، بلکه برای امام حسین(ع) و یاران باوفای‌شان عمل به تکلیف و وظیفه الهی اولویت داشت.  
یکی دیگر از عبرت‌های عاشورایی این است که تا صحنه نبرد و آزمایش پیش نیاید، مردان میدان از ناچونمردان مشخص و متمایز نمی‌شوند. خیلی‌ها تا قبل از بحرانی شدن اوضاع، پیروزی یا مرودی بر شخصی، بر اساس سبک زندگی و در دوران گذشته‌شان رقم خورد. باید روی سبک زندگی تکتک ستاره‌های درخشان کربلا کار کرد تا فهمید علت توفیقات آنها چه بوده است. همین‌طور باید روی سبک زندگی دشمنان سیدالشهدا(ع) هم کار کرد تا فهمید علت خذلان و شقاوت آنها چه بوده است.

نکته دیگری که در اینجا می‌خواهم به آن اشاره کنم، مساله امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین(ع) برای احیای اسلام و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند و با وجود محدودیت‌هایی که در آن زمان به اهل بیت(ع) از سوی حاکمان غاصب اعمال می‌شد، سعی در تصمیم‌گیری بوعف و مناسب داشتند. ایشان در راه حفظ دین باید از زندگی خود و عزیزان‌شان می‌گذشتند. بنابراین اقدام سیدالشهدا(ع) به ما نشان می‌دهد برای عمل به دستورات الهی و ترویج دین باید از خود و عزیزان گذشت. علاوه بر این، روز عاشورا امام حسین(ع) با ۷۲ یار قیام کردند. در حالی که تعداد دشمن بسیار بیشتر بود. بر همین اساس، نباید از کم بودن یاران و همراهان هراسید. روزی که امام خمینی(ره) قیام کرد، چقدر طرفدار داشت؟ تعداد طرفداران بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در ابتدا بسیار محدود بود اما امام خمینی(ره) با همت بلند قیام کرد و مردم نیز به مرور به ایشان پیوستند. بنابراین در رسیدن به هدف الهی تعداد نفرات را نباید ملاک قرار داد. این نکته بسیاری مهمی است، اگر قرار باشد در هر صحنه‌ای، ابتدا فقط به امکانات خود نگاه کنیم و اگر خللی در امکانات ما بود، از میدان پا پس بکشیم که دین خدا جلو نمی‌رود، اهداف دین پیاده نمی‌شود، پیاده شدن اهداف دین نیازمند از خودگذشتگی است، نیازمند این است که گاهی با کمترین امکانات و بودجه‌ها وارد میدان شویم و کسری‌ها را با افزایش عمل مجاهدانه خود جبران کنیم. تنها این روحیه است که باعث می‌شود یک ملت یا یک

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ آلِ مُحَمَّدٍ وَيَتَّبِعُوا آلَ اللَّهِ إِلَّا أَن يَمُنُّوا وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه/ ۳۲)؛ عدای می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند اما خدا به آنها اجازه نمی‌دهد. امام حسین(ع) از مصداق بارز نورالله است و محبوبیت امام حسین(ع) هم موجب زنده نگه داشتن نهضت عاشورا و حتی رونق مجالس عزاداری شده است.

■ اگر بخواهیم پلی بین آموزه‌های عاشورا و اوضاع امروز ما، پیام کربلا برای زمان کنونی ما را چه می‌دانید؟  
در بخش قبلی از عرایض به قسمتی از این سوال پاسخ دادم، باید این نکته را در نظر داشت که عاشورا یک گنجینه بی‌پایان از درس‌ها و عبرت‌هاست؛ درس‌هایی که در گذر زمان کهنه و پوسیده نمی‌شود و هر سال و هر روز لباس جدیدی می‌پوشد و دردی از درمان‌های ما را مداوا می‌کند. این جمله مشهور که کل اثر کربلا و کل يوم عاشورا، ناظر به همین مطلب است.

در واقعه عاشورا درس‌های بسیاری نهفته است اما در میان درس‌های بسیار این واقعه ارزشمند، نباید از منش و شیوه زندگی ائمه اطهار(ع) بویژه امام حسین(ع) غافل شد، بلکه باید آن را برای ترویج فرهنگ عاشورایی به نسل‌های آینده هم انتقال داد.  
منظور بنده این است که گاهی خود واقعه عاشورا را تحلیل می‌کنیم و از آن پیام‌هایی می‌گیریم، گاهی خود سیره و سنت ائمه اطهار و شخص امام حسین(ع) را مورد واکاوی قرار می‌دهیم و از آن به قانون‌های کلی‌ای می‌رسیم که باید مشخص‌کننده مسیر رفتارها و سبک زندگی ما باشد. ما در این حوزه غفلت کرده‌ایم. در میدان نبرد در روز عاشورا، پیروزی یا مرودی بر شخصی، بر اساس سبک زندگی و در دوران گذشته‌شان رقم خورد. باید روی سبک زندگی تکتک ستاره‌های درخشان کربلا کار کرد تا فهمید علت توفیقات آنها چه بوده است. همین‌طور باید روی سبک زندگی دشمنان سیدالشهدا(ع) هم کار کرد تا فهمید علت خذلان و شقاوت آنها چه بوده است.

نکته دیگری که در اینجا می‌خواهم به آن اشاره کنم، مساله امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین(ع) برای احیای اسلام و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند و با وجود محدودیت‌هایی که در آن زمان به اهل بیت(ع) از سوی حاکمان غاصب اعمال می‌شد، سعی در تصمیم‌گیری بوعف و مناسب داشتند. ایشان در راه حفظ دین باید از زندگی خود و عزیزان‌شان می‌گذشتند. بنابراین اقدام سیدالشهدا(ع) به ما نشان می‌دهد برای عمل به دستورات الهی و ترویج دین باید از خود و عزیزان گذشت. علاوه بر این، روز عاشورا امام حسین(ع) با ۷۲ یار قیام کردند. در حالی که تعداد دشمن بسیار بیشتر بود. بر همین اساس، نباید از کم بودن یاران و همراهان هراسید. روزی که امام خمینی(ره) قیام کرد، چقدر طرفدار داشت؟ تعداد طرفداران بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در ابتدا بسیار محدود بود اما امام خمینی(ره) با همت بلند قیام کرد و مردم نیز به مرور به ایشان پیوستند. بنابراین در رسیدن به هدف الهی تعداد نفرات را نباید ملاک قرار داد. این نکته بسیاری مهمی است، اگر قرار باشد در هر صحنه‌ای، ابتدا فقط به امکانات خود نگاه کنیم و اگر خللی در امکانات ما بود، از میدان پا پس بکشیم که دین خدا جلو نمی‌رود، اهداف دین پیاده نمی‌شود، پیاده شدن اهداف دین نیازمند از خودگذشتگی است، نیازمند این است که گاهی با کمترین امکانات و بودجه‌ها وارد میدان شویم و کسری‌ها را با افزایش عمل مجاهدانه خود جبران کنیم. تنها این روحیه است که باعث می‌شود یک ملت یا یک

■ جناب آیت‌الله بوشهری! ما شاهدیم هر سال اقامه عز و کلام سالار شهیدان، با همان شور سال‌های دور، بلکه بیشتر بر گزار می‌شود؛ سر و راز این ماندگاری آن هم بعد از گذشت قرون متمادی در چیست؟  
این از خارق‌العاده‌ترین پدیده‌های تاریخ بشریت است. حوادث و اتفاقات بسیاری در طول تاریخ رخ داده است اما هیچ‌کدام همچون واقعه عاشورا ماندگار نشده؛ تا جایی که اکنون با گذشت بیش از هزار سال از عاشورای حسینی، همچنان داغ این واقعه در دل مسلمانان سنگینی می‌کند. نهضت عاشورا با آنکه در سرزمینی محدود و با تعداد کمی از افراد اتفاق افتاد اما به عنوان الگویی برای جهانیان و درسی برای آزادگان شد. پیام آن به سرعت در اقصی نقاط دنیا پیچیده شد و واکنش‌های بسیاری را برانگیخت و بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری را در پی داشت. آن هم نه تنها محدود به همان دوره خاص، بلکه در طول تاریخ که نزدیکی‌ترین آن، همین انقلاب اسلامی است. به هر حال ماندگاری این سنت عزاداری، آن هم نه یک ماندگاری سبک، بلکه یک ماندگاری پرشور و حرارت که گویی این واقعه بتازگی رخ داده است، اسرار و رازهای پشت پرده فراوانی دارد اما اساسی‌ترین دلیل آن، خدای بودن حرکت امام حسین(ع) است. همه چیز فانی است جز آنچه به خداوند باقی گره بخورد، هر چقدر کاری مخلصانه‌تر باشد، وجهه خدایش بیش‌تر است و هر چه وجه خدایش بیشتر شده، ماندگاری و بقایش بیشتر می‌شود، چرا که بقا منحصر در ذات حق تعالی است.

حرکت امام حسین(ع) از سر عشق به خدا بود، از سر عشق به قرآن بود. حرکت سیدالشهدا(ع) مبتنی بر کلام خداوند و برای اطاعت فرمان خداوند انجام شد. امام حسین(ع) همه چیزش را برای خدا داد و خدا همه ملک سماوات و ارض را پیشکش امام حسین(ع) کرد. این اصلی‌ترین راز ماندگاری حرکت و قیام سیدالشهدا(ع) است.  
اما اگر از رکن رکن اخلاص و خدایی بودن نهضت امام حسین(ع) بگذریم، باید بگوییم یکی دیگر از دلایل ماندگاری این شور و حرارت و عشق به سیدالشهدا(ع) و اقامه عز و برای ایشان، ریشه در پیام‌های فطری و جهانشمول واقعه کربلا دارد.

حرکت امام حسین(ع) مشخصاً یک حرکت ضداستبدادی و ضدی عدالتی بود. عبودیت و بندگی خداوند اقتضا می‌کند انسان، بنده شخص دیگری نباشد. سیره، روش و منش همه انبیا مبارزه با طاغوت‌هایی بوده است که مردم را به بندگی و بردگی خود می‌کشاندند. به آنها ستم می‌کردند و آنها را از حقوق اولیه و اساسی خود محروم می‌کردند. حرکت امام حسین(ع)، سرشار است از پیام‌های ضداستبدادی و ضد بی‌عدالتی. طبیعتاً این پیام‌ها منطبق بر فطرت انسان‌هاست و انسان‌ها را به خودی خود، جذب می‌کند.  
امام حسین(ع) زمانی حرکت‌شان را آغاز کردند که بزرگان و خواص جامعه مسیر انحراف را پیش گرفته بودند. تنها بودن و عده و غده نداشتن، تصمیم امام حسین(ع) در پیرومن راه حق را متملزل نکرد. این استقامت و پایداری بر سر ارزش‌های انسانی، بر سر عدالت و کرامت و شرافت و آزادی و آزادیگی، طبیعتاً از جاذبه‌های پرکشش شخصیت امام حسین(ع) و واقعه عاشوراست. همه اینها باعث شده است با گذشت هزار و اندی سال از واقعه کربلا، این شعله همچنان زنده و نوربخش و فیاض باقی بماند. به رغم همه دشمنی‌ها، همه تلاش‌های مذبحخانه برای خاموش کردن نور امام حسین(ع) و نور کربلا، این نور شید تابان بیش از پیش نورافشانی می‌کند.

یکی از عبرت‌های عاشورا این است که تا صحنه نبرد و آزمایش پیش نیاید، مردان میدان از ناچونمردان مشخص و متمایز نمی‌شوند. خیلی‌ها تا قبل از بحرانی شدن اوضاع، پیروزی یا مرودی بر شخصی، بر اساس سبک زندگی و در دوران گذشته‌شان رقم خورد. باید روی سبک زندگی تکتک ستاره‌های درخشان کربلا کار کرد تا فهمید علت توفیقات آنها چه بوده است. همین‌طور باید روی سبک زندگی دشمنان سیدالشهدا(ع) هم کار کرد تا فهمید علت خذلان و شقاوت آنها چه بوده است.

نکته دیگری که در اینجا می‌خواهم به آن اشاره کنم، مساله امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین(ع) برای احیای اسلام و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند و با وجود محدودیت‌هایی که در آن زمان به اهل بیت(ع) از سوی حاکمان غاصب اعمال می‌شد، سعی در تصمیم‌گیری بوعف و مناسب داشتند. ایشان در راه حفظ دین باید از زندگی خود و عزیزان‌شان می‌گذشتند. بنابراین اقدام سیدالشهدا(ع) به ما نشان می‌دهد برای عمل به دستورات الهی و ترویج دین باید از خود و عزیزان گذشت. علاوه بر این، روز عاشورا امام حسین(ع) با ۷۲ یار قیام کردند. در حالی که تعداد دشمن بسیار بیشتر بود. بر همین اساس، نباید از کم بودن یاران و همراهان هراسید. روزی که امام خمینی(ره) قیام کرد، چقدر طرفدار داشت؟ تعداد طرفداران بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در ابتدا بسیار محدود بود اما امام خمینی(ره) با همت بلند قیام کرد و مردم نیز به مرور به ایشان پیوستند. بنابراین در رسیدن به هدف الهی تعداد نفرات را نباید ملاک قرار داد. این نکته بسیاری مهمی است، اگر قرار باشد در هر صحنه‌ای، ابتدا فقط به امکانات خود نگاه کنیم و اگر خللی در امکانات ما بود، از میدان پا پس بکشیم که دین خدا جلو نمی‌رود، اهداف دین پیاده نمی‌شود، پیاده شدن اهداف دین نیازمند از خودگذشتگی است، نیازمند این است که گاهی با کمترین امکانات و بودجه‌ها وارد میدان شویم و کسری‌ها را با افزایش عمل مجاهدانه خود جبران کنیم. تنها این روحیه است که باعث می‌شود یک ملت یا یک